

اعلام جرم ملت ایران علیه آقای هویدا نخست وزیر و کلیه وزرای اسبق و سابق و کنونی دولت هویدا



طی اصغر حاج سید جوادی

انسانی زندانیان رژیم استبداد نسبت به هزاران نفر زندانی بیگناه سیاسی و محاکمات غیرقانونی نظامی محروم شده است؛ به این جهت این اعلام جرم بنام ملت ایران به پیشگاه تاریخ و عموم آزادیخواهان و روشنفکران جهان که در مبارزه برای حقوق انسانی و بر علیه استبداد و شکنجه در یک صف قرار دارند تقدیم میشود. و به این وسیله ما صدای مظلومانه دهها هزار زندانی سیاسی بیگناه و دهها هزار خانواده ایرانی را که فرزندان و پدران و خواهران و

نسخه خطی مقاله زیر نوشته طی اصغر حاج سید جوادی که بتاريخ تیر ماه ۱۳۵۶ نوشته شده بدست پیام دانشجو رسیده است که برای اطلاع خوانندگان عن آنرا چاپ میکنیم.

تهران - تیرماه ۱۳۵۶

از آنجائی که بر خلاف اصل ۲۶ متمم قانون اساسی که قوای مملکت ناشی از ملت است و طبقه استعمال آن قوی را قانون اساسی معین میکند؛ دولت آقای هویدا این حق قانونی و مسلم ملت ایران را در اثر استقرار یک نظام پلیسی آمیخته با خشونت و شکنجه و محاکمات غیرقانونی و توقیف ها و بازجوئیها و محکومیت های غیرقانونی سلب نموده است و قوای مملکت اکنون نه در چارچوب قانون اساسی بلکه در زیر سلطه یک استبداد مطلق پلیسی قرار دارد.

از آنجائی که برخلاف اصل ۲۷ متمم قانون اساسی که قوای مملکت به سه شعبه تجزیه میشود آقای هویدا و دولت او کلیه اختیارات قانونی قوه مقننه و قضائیه را تحت سیطره قوه اجرائیه و سیستم پلیسی آن در آورده و جریان قانونی و حیاتی این قوای اساسی مملکت را که استقلال و آزادی عمل آنها ضامن حقوق و آزادیهای اساسی ملت ایران میباشد به طور مطلق تعطیل و تعلیق کرده است.

از آنجائی که بر خلاف اصل ۲۸ متمم قانون اساسی که قوای مقننه و مجریه و قضائیه برای همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل میباشند دولت آقای هویدا مجلس شورای ملی را به صورت آلتی جهت قانونی کردن اعمال خلاف قانون رژیم در آورده و اختیارات قوه قضائیه را به مراجع غیرقانونی که هیچگونه صلاحیتی برای رسیدگی به امور قضائی ندارند سپرده است.

تأسفانه قوه مقننه و قوه قضائیه قادر به جلوگیری از تجاوزات مکرر دولت آقای هویدا به اصول قانون اساسی و حقوق و آزادیهای قانونی ملت ایران نیستند. قوه مقننه بر خلاف اصل ۳۲ قانون اساسی صلاحیت قانونی خود را به عنوان مرجع طرح نظریات و انتقادات اجتماعی ملت ایران از شرایط پلیسی و تجاوزات غیرقانونی که بطور مستمر از سوی دولت هویدا و سازمانهای پلیسی و امنیتی آن به ملت ایران تحمیل میشود از دست داده است و قوه قضائیه از رسیدگی به همه شکایات مربوط به توقیف ها و بازجوئیهای غیرقانونی و شکنجه های وحشیانه مأورین سازمان امنیت و رفتار غیر

خوبشان آنها بدست مأمورین سازمان امنیت شکنجه شده و یا در زیر شکنجه های وحشتناک به قتل رسیده اند و یا در خیابانها و کوچه ها هدف گلوله آنها قرار گرفته و یاد ر محاکم رژیم استبداد به اعدام محکوم شده اند به گوش ملل جهان و همه آزادیخواهان و مبارزین راه حقوق انسانی میرسانیم و از آنها میخواهیم که صدای مظلومانه يك ملت بی پناه را در محافل و مراجع صلاحیت دار جهانی منعکس نمایند و از دلتهای خود مصراً بخواهند که در روابط سیاسی و اقتصادی خود با يك رژیم جبار و خودکامهای که بهیچیک از اصول قانونی و طبیعی حقوق انسانی کوچکترین احترام و توجهی ندارد تجدید نظر نموده و او را به رعایت حقوقی که در قانون اساسی ما و اعلامیه جهانی حقوق بشر پیش بینی شده است وادار نمایند .

آقای هویدا که بارزترین خصوصیت اخلاقی او دروغوئی است در رأس دولت خود که اکنون سبزه سال از این ریاست میگذرد بطور مستمر مرتکب بزرگترین تجاوز به قانون اساسی ملت ایران شده است؛ آقای هویدا و کلیه وزرای اسبق و سابق و کنونی او بطور دقیق ۵۶ اصل از مهمترین اصول قانون اساسی ملت ایران را زیر پا گذاشته اند؛ و با زیر پا گذاشتن این اصول کلیه جریانی طبیعی قانونگزاری و استفاده ملت ایران را از حقوق و آزادیهای قانونی خود معلوق کرده اند . و ما چون در این اعلام جرم فرصتی برای طرح همه این اصول و موارد آشکار تجاوزهای دولت آقای هویدا به قانون اساسی نداریم این اعلام جرم را در سه قسمت و بطور خلاصه طرح میکنیم .

" آقای هویدا که بارزترین خصوصیت اخلاقی او دروغوئی است . . . بطور مستمر مرتکب بزرگترین تجاوز به قانون اساسی ملت ایران شده است . "

قسمت اول :

طبق اصل ۴۴ متمم قانون اساسی : "شخص پادشاه از مسئولیت مبری است و وزرا دولت در هرگونه امور مسئول مجلسین هستند ."

طبق اصل ۴۵ متمم قانون اساسی : کلیه قوانین و دستخطهای پادشاه در امور مملکتی وقتی اجرا میشود که به امضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان و دستخط همان وزیر است .

طبق اصل ۵۷ متمم قانون اساسی : اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضر تصریح شده است .

طبق اصل شصتم متمم قانون اساسی : وزرا مسئول مجلسین هستند .

طبق اصل شصت و یکم متمم قانون اساسی : وزرا علاوه

بر اینکه به تنهایی مسئول مشاغل مختصه وزارت خود هستند به هیئت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول و وضامن اعمال یکدیگرند .

طبق اصل شصت و چهارم متمم قانون اساسی : وزرا نمیتوانند احکام شفاهی و یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند .

با توجه به مدلول این شش اصل که در واقع جوهر و عصاره انقلاب مشروطه و قیام سلحانه پدران مادر برابر حکومت استبدادی قاجار میباشد می بینیم که آقای هویدا و کلیه وزرای اسبق و سابق و کنونی او در زمینه انجام وظایفی که خطوط اصلی آن از طرف قانون اساسی ترسیم شده است از کلیه حقوق و اختیارات و مسئولیت هائی که قانون اساسی برای دولتها و وزرای رژیم مشروطه معین کرده است عدول نموده و یکجا آنها را به مقام سلطنت واگذار کرده اند؛ اگر آقای هویدا و وزرای او قانون اساسی و اصول مصرحه در آنرا در باره وظایف و مسئولیت های غیرقابل تجزیه و تفکیک و غیره قابل گذشت دولت قبول دارند بنابراین اعمال و روشهای هویدا و وزرای ایشان در عدول از قبول مسئولیت در برابر مجلسین و در قبول فرامین کتبی و شفاهی مقام سلطنت بدون امضای وزرا و بدون قبول مسئولیت مشترک وزرا در برابر اعمال یکدیگر و بدون توجه به این اصل قانون اساسی که پادشاه از مسئولیت مبری است برخلاف قانون اساسی و تجاوز به قانون اساسی است و آقای هویدا و کلیه وزرای اسبق و سابق و کنونی او در برابر این عدول ظنی و تجاوز آشکار گناهکار و از نظر قانونی قابل تعقیب هستند .

قسمت دوم :

سازمان اطلاعات و امنیت کشور یعنی وسیله و ابزار اصلی خفیان و وحشت شکنجه ملت ایران و آزادیخواهان ایران جزئی از تشکیلات نخست وزیری است . رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور در تشکیلات آقای هویدا سمت معاونت نخست وزیر را دارد و به این اعتبار در واقع آقای هویدا رئیس مستقیم و متبوع سازمان امنیت و اطلاعات کشور است . آقای هویدا و کلیه وزرای اسبق و سابق و کنونی دولت او نسبت به همه جنایات و شکنجه ها و بازجوئیها و بازداشت های غیرقانونی که سازمان امنیت نسبت به ملت ایران و قربانیها و زندانیان سیاسی رژیم مرتکب شده است دارای مسئولیت مستقیم هستند . سازمان امنیت در سالهای حکومت آقای هویدا جنایت هائی مرتکب شده است که بشریت از تکرار و تذکار آن در صفحات تاریخ شرمند است .

پرونده سازیهای سازمان امنیت در باره جوانان آزادیخواه ، هجومهای غیرقانونی به خانه های مردم ، بازداشت های غیرقانونی و شکنجه های غیر انسانی بوسیله آلات موحش شکنجه و تعذیب از جمله مسائلی است که در حوزه مسئولیت های آقای هویدا و وزرای او و هم چنین در قلمرو مسئولیت شخص هویدا بخاطر سیاست بر این سازمان قرار دارد ، طبعاً دولت هویدا و منجمه رئیس سازمان امنیت

ایشان و وزیر دادگستری دولت مهیدا هرگز فرصت تشکیل یک پرونده قضائی را برای دادگستری مملکت و رسیدگی به این جنایات و فجایع ایجاد نخواهند کرد و رژیم استبداد حاضر نخواهد بود در باره سازمانی که پایه و اساس قسدرت دیکتاتوری مطلقه و غارتگریهای افسانه‌ای او را تشکیل میدهد افکار عمومی ملت ایران و مردم جهان را آگاه کند ولی ما بدین وسیله مسئولیت مستقیم آقای مهیدا و وزرای دولت او را در این جنایات و فجایعی که دهها هزار خانواده ایرانی را عزادار و سی بیلمون ملت ایران را به خاموشی و وحشت کشانده است گوشزد می‌کنیم و تعقیب او و وزرای دولت او را بخاطر اعمال غیرقانونی سازمان امنیت یادآوری مینمائیم .

قسمت سوم :

اصل ۷۱ متمم قانون اساسی ایران به صراحت میگوید که انجمن‌ها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل به نظم نباشد در تمام مملکت آزاد است .

ماده بیستم اعلامیه جهانی حقوق بشر میگوید : هرکس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز تشکیل دهد .

بند دوم همین ماده از اعلامیه جهانی حقوق بشر میگوید : "هیچکس را نمیتوان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد" .

بند چهارم از ماده بیست و سوم همین اعلامیه میگوید : "هرکس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه‌ها نیز شرکت کند" . با توجه به این اصول نیازی به تذکار این واقعیت نداریم که آقای مهیدا و دولت او حق ملت ایران را در آزادی شرکت در مجامع و احزاب سیاسی و اتحادیه‌های صنفی واقعی سلب کرده و در مقابل شرکت بسیاری از افراد جامعه مخصوصاً کارمندان دولت و اصناف را در حزب رستاخیز بصورت اجبار و تهدید و ارباب‌علنی نموده است .

حاجت‌به تذکار نیست که طرح مسئله حق آزادی تشکیل مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز در قانون اساسی خود همین این حقیقت است که در قانون اساسی ما اصل تنوع عقاید و افکار و اختلاف روشهای سیاسی و اجتماعی افراد و اصل انعکاس این افکار و عقاید مخالف و متنوع در مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز صریحاً برسمیت شناخته شده است و مفهوم مخالف آن اینست که روح قانون اساسی ما با انعکاس افکار و عقاید افراد ملت بطوریکه پارچه در یک حزب واحد دولتی طرد شده است . بنابراین تشکیل یک حزب واحد از سوی دولت و اختصاص بیلیونها تومان در بودجه عمومی مملکت برای مخارج حزب رستاخیز مضمون جز انکار تنوع و اختلاف عقاید سیاسی و اجتماعی افراد ملت از طرف دولت و انعکاس آن در مجامع مختلف ندارد؛ به این ترتیب هرگونه وجهی که برای حزب رستاخیز از بودجه عمومی کشور خرج شود در حقیقت طبق مدلول اصل ۲۱ متمم قانون اساسی در حکم حیف و میل اموال عمومی محسوب و از نظر قضائی جرم و قابل

تعقیب میباشد .

همانطور که گفتیم بارزترین خصوصیت اخلاقی آقای مهیدا که اکنون بصورت مزمنی همه دستگاههای دولتی را فرا گرفته است دروغوشی و بی اعتقادی او به همه مبادی اخلاقی و انسانی و به همه فضایل و مکارم بشری است . این دروغوشی‌های مداوم در باره مسائل از ضروریات اجتماعی و اقتصادی ملت ایران صورت میگیرد که مردم فقدان آن را هر روز و هر ساعت و هر لحظه در زندگی خود حس میکنند . آقای مهیدا اخیراً در صحبت‌های خود حرف از آزادی قلم و آزادی فکر میزند و میگوید دولت بیهیچوجه در باره سانسور قلم و کتاب و فیلم و تریف و زندانی و شکنجه جوانها به ملت خواندن کتاب و ممنوع بودن نویسندگان از نویسندگی و انتشار کتاب دخالت ندارد . آقای مهیدا میگوید فساد و دزدی و فقر و شکنجه وجود ندارد ؛ بازداشت‌های غیرقانونی، بازجوئیهای غیرقانونی همراه با شکنجه‌های هولناک وجود ندارد؛ محکومیت‌های ظالمانه و غیرقانونی در دادگاههای نظامی و بدون حضور هیئت منصفه و بدون کوچکترین حمایت قضائی و قانونی وجود ندارد ؛ و محکومینی وجود ندارند که پس از پایان حکم ظالمانه، دادگاههای نظامی ماههاست که در زندانها مانده اند و یا کسانی که ماههای دراز بدون محاکمه هم چنان در بازداشت بسر میبرند . برای آقای مهیدا کلیه گزارشهای محافل بین‌المللی و ناظران خارجی صبی بر وجود شکنجه در زندانهای ایران دروغ است ؛

" سازمان امنیت در سالهای حکومت آقای مهیدا جنایت‌هایی مرتکب شده است که بشربت از تکرار و تذکار آن در صفحات تاریخ شرمنده است ."

بدنهای داغ شده و سوخته ، پاهای ااره شده ، چشمهای کور شده ، مغزهای کوبیده شده ، دستهای شکسته ، گوشه‌ها و شکمهای دریده شکنجه شده‌های گمیتته سازمان امنیت برای آقای مهیدا دروغ است؛ محکومیت ابدی دختر هفده ساله، خانواده رضائی بخاطر نوشتن یک انشای ضد انقلاب شاه و ملت دروغ است . آقای مهیدا از این خانواده چهار نفر تیرباران شده و زیر شکنجه مرده اند "سه مرد جوان و یک زن جوان" و دختر و مادر این خانواده عزادار نیز در زندان رژیم انقلابی شما بسر می‌برند ؛ این است کارنامه شرمناکترین رژیم پلیسی جهان در دولت شما که اگر یکطرفه دروغ نمیگوئید و ادعای راستی و درستی دارید اعلام کنید تا این خانواده‌ها از پشت تلویزیون و رادیو ماجرای زندگی خود را برای ملت ایران و مردم جهان بگویند ؛ اگر راست میگوئید در زندانها را بروی مردم باز کنید تا بدانند رژیم پلیسی شما با یک مشت مردم اسیر چه معامله ای می‌کند . آقای مهیدا اگر

دروغ میگوئید از زندان خود بفرساید که چرا زندانی ها را به جرم تشکیل مجلس ختم برای دکتر علی شریعتی کتک زدید و شکنجه دادید . چرا مأمورین خود را به اسام نامیندگان صلیب سرخ جهانی به زندانیهای بدبخت و از همه جا بی خبر جا زدید و زبان آنها را در شرح فجایعی که سازمان امنیت بر سر آنها آورده است نامردانه گشودید و سپس آنها را به زیر شلاق و شکنجه گرفتید . اگر همه اینها دروغ است بیائید تا با هم دیگر و به اتفاق هم این دروغها را ثابت کنیم و به اطلاع مردم برسانیم . برای آقای هویدا

" اگر راست میگوئید در زندانها را بروی مردم باز کنید تا بدانند رژیم پلیسی شما با يك مشت مردم اسیر چه معامله های میکند "

همه تنگناها و بن بست های موجود اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ، فقر شدید اکثریت ملت ایران و ثروتهای افسانهای گروه حاکمه و محارمان و دوستان آنها دروغ است . برای آقای هویدا فقر اکثریت و ثروت اقلیت ، نابودی کشاورزی ، فقدان آب و برق و غذا ، اختناق و شکنجه و دزدی و غارتگری طبقه حاکمه و متابعت از بیگانگان برای جلب حمایت آنها همه و همه علامات رشد و پیشرفت و نشانه نعمت هائی است که از دولت سر آقای هویدا و رژیم اختناق او بر ملت ایران ارزانی شده است !!! در حالیکه آقای هویدا از آزادی قلم حرف میزند و دخالت دولت را در اختناق فکر و اندیشه مردم ایران انکار میکند بلند گویهای مطبوعاتی و قلمچه مزد های سانسور و تبلیغات دولت هویدا به نویسندگان آزاد یخواه و روشنفکران واقعی کشور فحش و ناسزا میدهند . آری در دولت آقای هویدا آزادی وجود دارد ؛ آزادی شکنجه و زندان ، آزادی هجوم به منازل مردم بیگناه ، آزادی کشتن جوانها در خیابانها بدست مأمورین سازمان امنیت ، آزادی دروغ گفتن و دروغهای بسیار بزرگ گفتن . آزادی تجاوز به نوامیس مردم در خیابانهای اطراف تهران ، آزادی باز کردن کازینوها و اماکن فساد و عسرکده های جـوازدار و صاحب پرونده ، آزادی استفاده یکطرفه و مطلق از رادیو و تلویزیون برای دروغ پراکنی مداوم ، آزادی سانسور و اختناق فکر و کتاب و اندیشه و هنر .

آقای هویدا در آخرین مصاحبه خود در روزنامه کیهان صدای مخالفین آزاد یخواه ایران را صدای ارباب خارجی مینامد که با بلند شدن آن " لعبت های خنده دار هم به قر و غمزه افتاده اند "

آقای هویدا آیا از پشت همان تریبون که اکنون و از سالها قبل بطور درست در اختیار گرفته اید حاضرید به این سؤال جواب بدهید که این کدام ارباب است که اکنون صدای او بلند شده است؟ آیا همان اربابی نیست که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و با دلارهای خود حکومت

پام دانشجو

استبدادی رژیم پلیسی کنونی را بر ملت ایران تحمیل کرد . ما در اینجا از همه اسناد و مدارکی که درین بیست و چهار سال در باره دخالت آمریکا و سیا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ساقط کردن دولت ملی و وطن دوست دکتر مصدق از طرف محافل خارجی و حتی خود آمریکائیهها منتشر شده است صرف نظر میکنیم و فقط به ذکر يك شاهد از تازه ترین شهودی که بر این واقعیت گواهی میدهد میپردازیم .

آقای هویدا به ماهنامه " لوموند " دیپلماتیک و به آخرین شماره آن یعنی شماره ۲۸ ماه ژوئیه ۱۹۷۷ آن مراجعه کنید . درین شماره مقاله مفصلی در سراسر صفحات دوم و سوم ماهنامه به قلم مارک پلاس زیر عنوان " استقرار سیاست استراتژیک آمریکا - رقابت ایران و عربستان سعودی در خلیج " منتشر شده است ، در این مقاله تاریخچه تقویت نظامی ایران و فروش سلاحهای پیشرفته آمریکائی بدولت ایران مخصوصاً در دولت نیکسون و فورد تشریح شده است و هم چنین تاریخچه ای از تحکیم سیاست نظامی آمریکا در ایران با دخالت در سقوط دکتر مصدق و کمک به کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ ذکر میکند و ما از آنهمه مطالب فقط چند جمله کوتاه از آن را برای اینکه صدای ارباب به زعم آقای هویدا و جهت آن بهتر شناخته شود نقل میکنیم .

آقای مارک پلاس مینویسد : از سال ۱۹۵۲ (یعنی از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲) دولت آمریکا با ساقط کردن مصدق و برقرار کردن قدرت مطلق شاه با تصمیمی قاطع خود را به صورت حامی اصلی رژیم سلطنتی ایران درآورد . و در جای دیگر همین مقاله میگوید :

" حکومت نیکسون به تمایلات شاه برای تقویت نظامی و خرید سلاحهای جنگی جواب بسیار مساعدی داد و در تمام دوران حکومت نیکسون فروش سلاحهای پیشرفته و پیچیده به ایران رو به افزایش نهاد و به موازی آن نفوذ آمریکا در منطقه گسترش یافت . آقای ریچارد هلمز به سمت سفیر آمریکا در تهران منصوب شد و به صورت محور اصلی روابط بین دو کشور ایران و آمریکا درآمد و همراه با آن ستاد عملیاتی اداره جاسوسی و ضد جاسوسی آمریکا یعنی سیا از نیکوزیا پایتخت قبرس به تهران منتقل شد و زیر ریاست هلمز که خود رئیس سابق این سازمان بود قرار گرفت . اهمیت روزافزونی که خلیج برای منافع اقتصادی غرب پیدا کرده بود که شامل ۶۰ درصد واردات نفتی برای غرب بود در صد واردات نفت در اثر بحران اعصاب و اسرائیل و تضعیف و قدرت طرفدار غرب در منطقه یعنی حبشه و پاکستان و ناتوانی سازمانی و خدماتی ارتش عربستان سعودی برای دخالت نظامی در خارج از مرزهای خود انتخاب ایران را از قبل به عنوان ژاندارم منطقه به وسیله حکومت نیکسون و فورد توجیه میکرد . "

آقای هویدا : می بینید که يك ناظر و محقق خارجی چگونه با صراحت ارباب رژیم کنونی ایران را نشان میدهد و میگوید اولاً کودتای ۲۸ مرداد را آمریکائیهها انجام دادند

و ثانیاً با سقوط مصدق قدرت مطلقه و دیکتاتوری در ایران برقرار کردند و ثالثاً با تصمیمی قاطع در پشت سر این قدرت مطلقه قرار گرفتند؛ و سپس ارتش ایران را به خرج ملت بینوای ایران و به قیمت بدست آوردن میلیارد ها دلار پول از طریق فروش سلاحهای خود برای حفظ منافع نفتی غرب به صورت ژاندارم منطقه در آوردند. و به این وسیله خود را از حضور مستقیم و پر خرج و بدنام کننده خود در منطقه خلاص کردند. اگر اربابی که آقای هویدا در مصاحبه خود اشاره میکند همین است پس بنابراین معلوم میشود که این ارباب یسا میخواید نوکرهای خودش را عوض کند و یا از زور فشار و غارتگری رژیم استبدادی ایران منافعش به خطر افتاده است. زیرا همین آقای مارک پلاس در همین مقاله در زمینه ضرورت تعرض سلطان قرون وسطائی عمان یعنی سعید بن تیمور و برای فرزند ان یک نسیم تجدد طلبی مصنوعی در عمان طبق مفاد دکترین نیکسون که میبایستی نوکران قدیمی و کهنه و از بد افتاده را به نفع رژیمهای قابل قبولتری رها کند که بتوانند بسته های خوشنماتر و ظاهر فریب تری از تجدد و آزادی را به مردم عرضه کنند صحبت میکند. بعد انیم اگر مقصود آقای هویدا از ارباب همین است چرا و به چه علت آقای هویدا از صدای او ناراحت شده است مگر این ارباب همان ارباب نیست که میلیارد ها دلار سلاح به دولت آقای هویدا فروخت؟ همان اربابی نیست که دولت هویدا بیش از ۵۰ میلیارد دلار حساب تجارتنی و داد و ستد برای او باز کرده است و به اصرار از او دعوت میکند که چرا از ایسن گنجهای افسانه ای که ما در اختیار شما میگذاریم استفاده نمیکنید؟ همان اربابی نیست که دولت آقای هویدا میخواید ۷ فرزند از گرانترین هواپیماهای نظامی جهان را که رادارهای پرنده هستند از او به قیمت یک میلیارد و دویمت میلیون دلار بخرد؟ و همان اربابی نیست که مسئولین سیاسی ایران و منجمله سفیرش در واشنگتن به گرات او را بهترین دوست و متحد ایران میدانید و از کمک ها و حمایت های فراوان او تشکر میکنید؟ آقای هویدا چطور است که در ایران هر کس خواهان حقوق انسانی و آزادیهای قانونی و موقوف شدن شکنجه و آزاد شدن زندانیان بیگناه و طرد افراد فاسد و وطن فروش از مقامات عالی مملکتی بشود نوکر بیگانه است؟ آقای هویدا جای شما و اعضای دولت شما در اتحاد مثلث "ماسونی، بهائی، یهودی" که اکنون بجای ملت ایران حق حاکمیت او را غصب کرده است در کجا قرار دارد؟ آیا ممکن است از دادگستری ایران بخواهید که سوابق "مذهبی-سیاسی" و روابط و وابستگی های اقتصادی و مالی و سیاسی ناشی از این سوابق اعضای محترم دولت و مقامات عالی حکومت شما را مورد بررسی قرار دهد و گزارش آنها به اطلاع ملت ایران برساند تا همه آگاه شوند که ستون فقرات قدرت رژیم پلیسی شما و سیستم عصبی او به چه مراکز بین المللی استعماری پیوند دارد و ایسن اتحاد مثلث چگونه بر مراکز اصلی قدرت سیاسی و اقتصادی و

مالی ملت ما چیره شده و چگونه منابع ثروت ما و سرزشت فرهنگ و استقلال ملی وطن ما را قبضه کرده است؟ آقای هویدا شما در آخرین مصاحبه خود میگوئید که تنها دادگستری و دادگاههای کشورند که باید نشان دهند کدام اتهام به حق و کدام ناحق است. اگر اعلامیه ۶۵ و کپل دادگستری را بخوانید می بینید که در دولت شما برای ملت ایران چیزی بنام دادگستری واقعی که مدافع حقوق و آزادیهای ملت ایران باشد باقی نمانده است. شما حرف از آزادی قلم و

"چهل نفر از نویسندگان و هنرمندان کشور ما با بیانیه خود اعلام کردند که در دولت شما چیزی بنام آزادی اندیشه و فکر وجود ندارد."

اندیشه و موافق بودن دولت شما با حق بیان و آزادی عقیده میزید اما چهل نفر از نویسندگان و هنرمندان کشور ما با بیانیه خود اعلام کردند که در دولت شما چیزی بنام آزادی اندیشه و فکر وجود ندارد. ولی شما به جای جواب به آنها و یا اجازه به مطبوعات برای نشر بیانیه آنها به نویسندگان و روشنفکران مملکت ناسزا گفتید و قلم به مزد ان شما در مطبوعات به آنها حمله کردند. شما با آزادی کامل از رادیو و تلویزیون که به ملت ایران تعلق دارد و از پول ملت ایران اداره میشود همه دروغهای خود را پخش میکنید اما از ساعتهای طولانی تبلیغی که شما و وزرا و اعضای دولت شما در رادیو و تلویزیون صرف شست و شوی مغزی و تحمیل ملت ایران میکنید حتی یک لحظه آنها هم در اختیار کسانی که میتوانند به دروغهای شما جواب دهند نمیگذارید و حتی حاضر نیستید در یک مصاحبه با همین لعبت های خنده دار که اکنون به قول شما به صدای ارباب بیسدار شده اند شرکت کنید. دستگاه دروغ پراکنی شما مینویسد که همه مخالفین شما در ایران و سایر کشورها از هزار و چهارصد نفر ایرانی تجاوز میکنند. آیا شما میلیاردها ربالی که در بودجه مملکت برای اداره سازمانهای انتظامی و امنیتی رژیم منظور می کنید برای مبارزه با همین هزار و چهار صد نفر است؟

آقای هویدا آیا شما حاضرید این اعلام جرم را برای تعقیب نویسندگان آن به دادگستری احاله کنید؟ تا در همین دادگستری موجود که در زیر فشار قدرت پلیسی شما له شده است پرونده های تجاوزهای ظنی شما و دولت شما به قانون اساسی و آزادیها و حقوق انسانی ملت ایران مطرح شود، تا ملت ایران و مردم جهان بفهمند که دروغگو و لعبت خنده دار کیست و چه کسانی هستند آنها اینکه اگر صدای ارباب برای آنها لالی نخواند حتی یک لحظه هم از ترس انتقام دهها هزار خانواده عزادار و میلیونها ایرانی غارت شده و اسیر خواب راحت به چشمانش نغیرود. تا مردم ایران از میزان

پرونده های بایگانی شده دزدیها و غارت گریهای طبقه حاکمه و بساز و بفروشهای عالی مقام و کازینو دارهای بسیار محترم در بازرسی شاهنشاهی و در دادگستری و در دفتر

" آیا شما حاضرید این اعلام جرم را برای تعقیب نویسندگان آن به دادگستری احاله کنید ؟؟؟ تا مردم ایران از میزان دزدیها و غارت گریهای طبقه حاکمه آگاه شوند ؟ "

ویژه آگاه شوند و از میزان اندوخته های بانکی و مستغلات آنها در داخل و خارج کشور مطلع گردند و تا آشکار شود که مثلث جهنم و مشلوم " فرما سوتری - بهائی - یهودی " بر سر ملت ایران در سالهای دراز حکومت شما چه کرده است؟ آقای هویدا شما گناه از کار افتادن نیروگاهها و خاموشیهای برق را در گرمای سوزان تابستان به دروغ و جعل به گردن تکنولوژی ضعیف غرب یا ضعف تکنولوژی آن می اندازید، در حالیکه همین غربی که انسان را با تکنولوژی خود در ماه پیاده میکند و پیچیده ترین سلاحهای جنگی را به شما میفروشد، همین غرب است که تکنولوژی آن در برابر دزدیها و پورسانتازهای که در دولت شما از خرید لوازم و سلاحها و نیروگاهها و تأسیسات گرفته میشود دچار ضعف میگردد !! و دموکراسی آن زشت میشود !! و اصول پارلمانی و آزادیهای اجتماعی آن مردم را به تبلی و فزون خواهی عادت میدهد !! اما همین غرب هنگامیکه با سازمان اطلاعاتی و با دلارها و با حمایت خود از شما پشتیبانی میکند و تا آنجا که به حمایت خود بی قید و شرط ادامه میدهد برای شما ساده ترین چیز آن است که همه ثروت ملت ایران و همه حقوق و آزادیهای آن را در راه جلب حمایت آن پیشکش کنید .

آقای هویدا خوب بود قبل از اینکه برای استراحت و تفریح به سواحل یونان و نیس میرفتید ملت ایران را در گرمای سوزان تابستان بدون برق و آب و در چنگال گرانی و خشتناک مواد غذایی و مسکن و کمبود آهن و آجر و سیمان و خفقان پلیس سازمان امنیت رها میکردید سری هم به کنسولگری آمریکا در تهران میزدید تا میدیدید که مردم ایران و خانواده های ایرانی چگونه از ساعات تاریک شب برای فرار از بهشتی که شما و دوست شما رژیم مطلقه پلیس شما برای ملت ایران ساخته است نوبت میگیرند و ساعتی دراز برای گرفتن اجازه خروج از ایران و مهاجرت از سرزمین انقلاب شاه و ملت در انتظار نوبت در کنار خیابان میخوابند . آری وقتی طاعون در کشتی می افتد نخست موشها خود را بدریا میاندازند . موشهایی که به خیال خود با استشمام خطر باید جان و مال خود را نجات دهند . آیا لعبت های خنده دار ، خود نیز با اولین صدای اعتراض قرار را برقرار ترجیح نمی دهند !! ؟

۱۳۵۵
۲۴/۱۱

بیم دانشجو